سعدی

نویسنده : وحید دستگردی، محمد

این نگاه سعدی دو ویژگی بارز دارد:

اول این‏که کاملا جسورانه و خلاف عادت و روال مرسوم در جامعه‏ است و می‏دانیم که انسان‏های برجسته‏ی هر روزگار کسانی هستند که‏ خلاف جریان آب شنا می‏کنند،کسانی که نمی‏خواهند بدون آگاهی، تنها میراث‏خوار گذشتگان باشند،آن هم میراث و تفکری که در اثر گذشت زمان آن‏چنان پیرایه بسته که اصل آن مکتوم مانده است.

لذا سعدی نگاهی کاملا انسانی دارد،ورای آن‏چه در جامعه مرسوم‏ است.

سعدی برخلاف ایشان اعتقاد دارد،می‏اندیشد و می‏گوید:

هر گُلی نو که در جهان آید ما به عشقش هزار دستانیم(439/7)

این گل را می‏توان:نگاه نو،تفکر نو،اندیشه‏ی نو،برداشت نو و...دانست.در این صورت با نوعی پلورالیسم در اندیشه‏ی سعدی‏ مواجه خواهیم بود که به‏واقع به بیراهه هم نرفته‏ایم.

دوم این‏که نگاه خلاف عادت برای ما هم تازگی دارد و برجستگی این ابیات به این خاطر است که صدای اعتراض و فریاد سعدی از پس قرن‏ها تاکنون نیز به گوش می‏رسد و هنوز نگاه جامعه‏ به انسان‏ها،به هنر،به زیبایی و...تغییر نکرده است.تغییر که نکرده‏ بماند،شاید تنگ‏نظرانه‏تر نیز شده است.

سعدی در دیوان خود اعلام می‏کند که بیایید از زیبای‏های‏ خلقت بهره ببریم.چراکه زیبایی جلوه‏ی آفرینش است.ان اللّه جمیل‏ و یحب الجمال.

از بهر خدا روی مپوش از زن و از مرد تا صنع خدا می‏نگرند از چپ و از راست(46/4)

با ذکر این مطلب می‏توان نتیجه گرفت که سعدی با ذکر نظر کردن به معشوق(چه آسمانی و چه زمینی)خواستار تغییر نگاه ما به اطراف است،همان‏طور که در گلستان و بوستان درس زندگی‏ می‏دهد،در دیوان خود نیز همین کار را تکرار می‏کند،چرا که سعدی‏ معلم اخلاق است و این رسالت را در هر لحظه و هر آن بر دوش‏ می‏کشد.

پی‏نوشت‏ها

(\*)در تمام موارد عدد سمت راست شماره‏ی غزل و عدد سمت چپ شماره‏ی بیت‏ است.

(1)-عطار،دیوان اشعار،به تصحیح سعید نفیسی،انتشارات کتابخانه‏ی سنایی،چاپ‏ پنجم،1370،غزل 494.

(2)-سنایی،دیوان،با مقدمه،حواشی مدرس رضوی،انتشارات کتابخانه‏ی سنایی، چاپ سوم،تهران،1362،غزل 302 ص 979.

(3)-ابو سعید ابو الخیر،رباعیات،با مقدمه و تصحیح صابر کرمانی،انتشارات اقبال، چاپ دوم،1370،رباعی 146.

(4)-فخر الدین عراقی،دیوان،با مقدمه سعید نفیسی،انتشارات امیر کبیر،چاپ‏ چهارم،1356.

(5)-دیوان حافظ،به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر،انتشارات صفی علی شاه،چاپ‏ بیست و هفتم،1379،غزل 138،بیت 1.

(6)-همان،غزل 154،بیت 6.

(7)-سعدی،دیوان غزلیات،به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر،انتشارات مهتاب، چاپ ششم،زمستان 72،تهران.

(8)-برای اطلاع بیش‏تر رجوع کنید به حافظنامه،بهاء الدین خرمشاهی،شرح‏ غزل‏های 23 و 62.

سعدی

زنده‏یاد استاد وحید دستگردی

هفت اقلیم سخن را گر سخن خواهی صواب‏ نیست جز سعدی کسی شاهنشهِ مالک رقاب‏ تاخته در موکب قلب فصاحت رهنورد آخته الماس‏گون تیغ بلاغت از قراب‏ جیش معنی در یمین وی رده اندر رده‏ لشکر لفظ از یسارِ وی رکاب اندر رکاب‏ دیده بر فرمان فکر عرش سیرش دوخته‏ تا چو فرمان در دهد سویش کنند از سر شتاب‏ بی‏خطا هریک نشیند آن‏چنان بر جای خویش‏ کش زجا برخاستن تا حشر باشد ناصواب‏ رشته‏ی الفت میان بکر معنی فحل لفظ استوار آن‏سان که در وی ره نیابد پیچ و تاب‏ نه تکلف هیچ در ترکیب لفظی پای پیچ‏ نه تخلف اندر ابداع معانی دستیاب‏ معنی اندر لفظ پیدا هم‏چو روی از آینه‏ لفظ زیب بکر معنی هم‏چو پُرزیور ثیاب‏ اینت شعر و آنت یکتا شاعر شیواسخن‏ وان دگرها ژاژ ملحون است و لحن ناصواب

\*\*\*

آسمان شعر را گویندگان شرق و غرب‏ اختر خرد و بزرگستند و سعدی آفتاب‏ لاجرم از هر افق کاین آفتاب ابرو نمود اختران از شرم پوشیدند رخ اندر حجاب‏ شعرش از سرچشمه‏ی طبع روان است آب‏گیر زان روان باشد به جوی عقل گفتارش چو آب‏ بحر فکرش موج‏انگیز است بر اوج سپهر موج‏ها از لؤلؤ غلتان به کف جای حباب‏ چون صدف بربندد از هر گفته‏ی بیهوده گوش‏ هرکه زین دریا به دست آورد لؤلؤی خوشاب‏ رشک مشک ناب شد گفتارش اما کس ندید کاندران ره جست آهو یا خطا گشت ارتکاب‏ راند آهو را و شیطان خطا را رجم کرد زآسمان شعر خود با فکر ثاقب چون شهاب‏ گلستان و بوستان را تا به گیتی درگشود بست رضوان هفت فردوس برین را هشت باب‏ از جمال گلستانش گلشن جنات عدن‏ در خجالت شد فرو حتا توارت بالحجاب‏ وز نوال بوستانش گشت در هر چارفصل‏ عرشی و فرشی و افلاکی و خاکی بهره یاب‏ حبذا دیوان سعدی کز زمین تا آسمان‏ از رخ هر دفتر و دیوان به خاک افشاند آب‏ فکرتش بر غیب عالم از ازل تنها کلید دفترش بر نسل آدم تا ابد یکتا کتاب